

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۵/۰۸  
شماره: ۱۱۰۷۰۲۴۶۹۵  
ذارد پیوست:



اتاق تعاون ایران  
اولین کنفرانس بین المللی تعاون در ایران  
شهریور ماه ۱۴۰۲

اتاق تعاون استان تهران  
دبیرخانه  
شماره: ۱۲۳۹  
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۵/۰۸  
پیوست:



بسته ها

سرفه استحضاری به استحضار است  
لایحه معرفی استحضار است

جناب آقای بهمن عبداللهی  
رئیس محترم اتاق تعاون ایران

موضوع: گزارش پژوهشی شماره ۳ مرکز پژوهش های اتاق تعاون ایران

باسلام؛

احتراما به پیوست گزارش پژوهشی تهیه شده توسط مرکز پژوهش های اتاق تعاون ایران با عنوان بررسی نقش سیاست های ارزی در تحولات بازرگانی خارجی در اقتصاد ایران جهت استحضار و بهره برداری تقدیم حضور می گردد.

مسئول راه اندازی مرکز پژوهش ها

رونوشت:

- جناب آقای علی مطیع جهانی؛ عضو محترم هیئت رئیسه و معاون محترم پشتیبانی و برنامه ریزی جهت استحضار و بهره برداری با پیوست فوق الذکر
- جناب آقای رضا وفایی یگانه؛ معاون محترم اقتصادی و کسب و کار جهت استحضار و بهره برداری با پیوست فوق الذکر
- جناب آقای مرتضی رخیصی؛ سرپرست محترم معاونت امور استانها و اتحادیه ها جهت استحضار و بهره برداری با پیوست فوق الذکر
- جناب آقای ارسلان قاسمی؛ سرپرست محترم معاونت حقوقی و امور مجلس جهت استحضار و بهره برداری با پیوست فوق الذکر
- جناب آقای علی مصطفایی؛ مدیر محترم آمار و برنامه ریزی جهت استحضار و بهره برداری با پیوست فوق الذکر
- سرکار خانم سعیده محمدی ارگی؛ مدیر محترم مرکز آموزش جهت استحضار و بهره برداری با پیوست فوق الذکر
- جناب آقای علیرضا بنائی فر؛ مدیر محترم توسعه روابط بین الملل جهت استحضار و بهره برداری با پیوست فوق الذکر
- جناب آقای مرتضی عابدی؛ سرپرست محترم روابط عمومی و امور فرهنگی جهت استحضار و بهره برداری با پیوست فوق الذکر
- جناب آقای پارسا گوهری مکمل؛ سرپرست محترم کمیسیونهای تخصصی جهت استحضار و بهره برداری با پیوست فوق الذکر
- روسای محترم کمیسیون های تخصصی اتاق تعاون ایران؛ روسای محترم کمیسیون های تخصصی اتاق تعاون ایران جهت استحضار و بهره برداری با پیوست فوق الذکر
- روسای محترم اتاق تعاون استانها جهت استحضار و بهره برداری با پیوست فوق الذکر
- مدیران عامل محترم اتحادیه های سراسری جهت استحضار و بهره برداری با پیوست فوق الذکر

تهران، خیابان سپهبد قرنی، بالاتر از تقاطع طالقانی، شاره ۸۳ تلفن: ۴۵۲۶۱ نمابر: ۸۸۳۱۲۰۹۵  
کدپستی: ۱۵۸۳۶۱۴۱۱۱ info@icccoop.ir otg icccoop\_dabir@gdn.gov.ir www.icccoop.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

**بررسی نقش سیاست های ارزی  
در تحولات بازرگانی خارجی در اقتصاد ایران**

---

گزارش پژوهشی شماره ۳

مرکز پژوهش های اتاق تعاون ایران

مرداد ماه ۱۴۰۲

## چکیده

طی دهه های گذشته همواره سیاست های ارزی متفاوتی توسط سیاستگذاران اتخاذ شده است. یکی از بخش هایی که به طور مستقیم از سیاست های ارزی تأثیر می پذیرد، بخش بازرگانی خارجی است. لزوم کاهش اتکا به درآمدهای نفتی و رهایی از اقتصاد تک محصولی موجب شده است تا توجه به متنوع سازی درآمدهای ارزی از محل بازرگانی خارجی همواره مورد تأکید قرار گیرد. از این رو به ویژه از برنامه چهارم توسعه افزایش رقابت پذیری در زمینه تولیدات داخلی و صادرات غیرنفتی مدنظر سیاستگذاران بوده و بر این مبنا در ضمن سیاست های ارزی اعلامی در برنامه های توسعه، تعیین نرخ ارز در چارچوب دستیابی به اهداف توسعه بخش بازرگانی خارجی مورد توجه قرار گرفته است. در طول دهه های گذشته علی رغم دغدغه مندی مسئولین در زمینه وضعیت تراز تجاری کشور، سیاست های اعمال شده در رابطه با نرخ ارز با اهداف در نظر گرفته شده برای ارتقای بخش بازرگانی خارجی کشور سازگاری نداشته است. بر این مبنا نیاز است تا ضمن پایبندی به سیاست های ارزی اعلامی در برنامه های توسعه، اصلاحاتی در سیاست های ارزی به منظور ایجاد ثبات در روند بلندمدت نرخ ارز حقیقی برای ارتقای بخش بازرگانی خارجی کشور اتخاذ شود.



سیاستگذاری در زمینه نرخ ارز عمدتاً از اهداف کلان اقتصادی کشورها ناشی می‌شود. کنترل تورم یا حفظ تعادل داخلی، حفظ تعادل خارجی و جلوگیری از تخصیص نادرست منابع یا حفظ رقابت پذیری و تقویت رشد اقتصادی و همچنین، مقابله با بحران‌ها و ساماندهی بازارها از جمله اهداف کلانی است که بر جهت‌گیری سیاست‌های ارزی مؤثر هستند. براین اساس، اگر تورم دغدغه جدی مقامات پولی کشورها باشد و نگرانی زیادی در رابطه با عبور نرخ ارز بر تورم داخلی وجود داشته باشد؛ نرخ ارز اسمی شاخصی خواهد بود که همواره توسط مقامات پولی رصد شده و سیاست‌های ارزی در قالب مداخلات عمدتاً حول کاهش نوسانات و انحرافات نامطلوب سطح نرخ ارز اسمی متمرکز خواهد شد. چنانچه سیاستگذاران در زمینه افزایش رقابت پذیری و وضعیت تراز تجاری دغدغه بیشتری داشته باشند؛ نرخ ارز حقیقی متغیری است که در جهت اعمال مداخلات ارزی مبنای قرار می‌گیرد و بانک‌های مرکزی براساس اهداف کلان اقتصادی اتخاذ شده برای تجارت خارجی نرخ ارز حقیقی را مدیریت خواهند کرد. همچنین، چنانچه حفظ ثبات مالی و پیشگیری از بحران‌ها مدنظر باشد، مواردی از قبیل سرعت تغییر نرخ ارز، اندازه نوسانات، حجم معاملات در بازار و عوامل مؤثر بر نرخ ارز اسمی پایش خواهند شد. در طول دهه‌های گذشته در برنامه‌های توسعه کشور اهداف متفاوتی برای اعمال سیاست‌های ارزی مدنظر بوده است. از لزوم حفظ ارزش پول و تثبیت نرخ ارز در برنامه سوم توسعه گرفته، تا توجه به رقابت پذیری اقتصادی در برنامه چهارم و تعیین نرخ ارز بر مبنای تفاوت تورم داخل و خارج و استفاده از نرخ ارز به عنوان ابزاری برای تعادل تراز تجاری کشور در برنامه پنجم؛ از جمله سیاست‌های متفاوتی بوده‌اند که در طول برنامه‌های توسعه در زمینه نرخ ارز اتخاذ شده است. در این میان بروز تحولات اقتصادی و سیاسی از قبیل تحریم‌های اقتصادی نیز تا حد زیادی سیاست‌های ارزی اتخاذ شده را متأثر ساخته است. بخش بازرگانی خارجی به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌ها در راستای نیل به رشد و توسعه اقتصادی کشور، بخشی است که به طور مستقیم از سیاست‌های ارزی و عوامل سیاسی تأثیر می‌پذیرد. لزوم توجه به این بخش برای افزایش سهم کشور در تجارت جهانی، کاهش وابستگی شدید اقتصاد به درآمدهای ارزی به دست آمده از فروش نفت و رهایی از اقتصاد تک محصولی نفت به عنوان یکی از اصلی‌ترین وظایف دولت‌ها مطرح بوده و یکی از اهداف مهم اقتصادی تلقی می‌شود. به طوری که در اغلب برنامه‌های توسعه، توجه به بخش تجارت خارجی به عنوان هدف اصلی در زمینه سیاست‌های ارزی عنوان شده است.

## بررسی نحوه و میزان اثرگذاری سیاست های ارزی بر صادرات و واردات کل کشور

توجه به گسترش رانت های ناشی از چند نرخ بودن ارز و فاصله بیش از ۴.۵ برابری نرخ ارز بازار آزاد از نرخ رسمی در آغاز دهه ۱۳۸۰ شمسی، موضوع یکسان سازی نرخ ارز به عنوان یک دغدغه جدی در محافل اقتصادی مورد بحث قرار گرفت. در این راستا، بهبود نسبی وضعیت درآمدهای نفتی زمینه مناسبی برای اجرای سیاست تک نرخ ارز تلقی می شد و بر این مبنای سال ۱۳۸۱ سیاستگذاران همراه با اتخاذ نظام ارزی شناور مدیریت شده، سیاست یکسان سازی نرخ ارز را در پیش گرفتند. اتخاذ این سیاست تا حدود یک دهه موجب یکسان سازی نرخ ارز در اقتصاد کشور شد و بانک مرکزی به عنوان رهبر در بازار ارز با تأمین ارز تمامی متقاضیان براساس نرخ رسمی توانست نرخ ارز را تا حد زیادی تثبیت کند. در این زمینه لازم است ذکر شود؛ تثبیت نرخ ارز در اقتصاد ایران عمدتاً به عنوان راهکاری برای کنترل تورم به کار برده شده است. در واقع دولت ها به جای ایجاد انضباط مالی و برقراری چارچوب سیاست پولی کارآمد، از لنگر اسمی نرخ ارز برای کنترل انتظارات تورمی استفاده کرده اند. اعمال سیاست تثبیت تا حدودی در کنترل تورم و انتظارات تورمی موفق بوده است، اما مواردی از قبیل ناترازی بودجه کشور، سیاست های پولی ناکارا و مشکلات ساختاری نظام بانکی موجب رشد بالای نقدینگی شده و عموماً پس از یک دوره تثبیت، جهش های ارزی به وقوع پیوسته است. در این رابطه افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت عاملی بوده است که قدرت مقامات پولی را برای مدیریت بازار ارز و اجرای سیاست تثبیت افزایش داده است. در واقع هرگاه درآمدهای ارزی دولت افزایش یافته و ذخایر ارزی بانک مرکزی در سطح مطلوبی قرار داشته، مقامات پولی در مدیریت بازار ارز موفق بوده اند و با کاهش ذخایر ارزی بانک مرکزی، قدرت اعمال سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی کاهش یافته و انحرافات و نوسانات نرخ ارز رخ داده است. در این زمینه با تشدید تحریم ها در سال ۱۳۸۹ بانک مرکزی تا حد امکان از سیاست تثبیت نرخ ارز برای کنترل بازار و مدیریت انتظارات تورمی استفاده کرد، اما با کاهش سطح ذخایر خارجی به تدریج قدرت اعمال سیاست تثبیت نرخ ارز توسط بانک مرکزی کاهش یافت.

### ۱- صادرات

طی دهه ۱۳۸۰ شمسی سیاست ها و راهکارهای متعددی برای تشویق صادرات به اجرا گذاشته شد. در این دوره مواردی از قبیل؛ افزایش حضور ایران در بازارهای بین المللی، گسترش تنوع کالاهای صادراتی و اضافه شدن خدمات به سبب صادراتی کشور و همچنین، بهبود مناسبات سیاسی فضای مناسبی را برای ارتقای صادرات گمرکی کشور پدید آورد. در این راستا، اتخاذ سیاست های تجاری جهت گسترش صادرات در کنار ثبات و آرامش بازار ارز در نتیجه اجرای



سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز موجب شد تا در دهه ۱۳۸۰ روند صادرات گمرکی کشور همواره صعودی باشد. متوسط صادرات گمرکی طی بازه زمانی برابر با ۱۳.۶۶ میلیارد دلار بوده و طی این مدت صادرات کشور سالیانه به طور متوسط ۲۳.۱۸ درصد رشد کرده است. با آغاز دهه ۱۳۹۰ و افزایش نااطمینانی در نرخ ارز، نرخ رشد صادرات کشور نسبت به دهه قبل از آن کاهش محسوسی داشته است. بر این اساس، طی دهه ۱۳۹۰ متوسط نرخ رشد صادرات گمرکی کشور تنها ۳.۷۳ درصد بوده است. به طور کلی میزان صادرات کشور در دهه مذکور با نوسان بسیار زیادی همراه بوده است. کمترین نرخ رشد در دهه ۱۳۹۰ در سال ۱۳۹۹ و با رشد ۱۵.۸۴ درصدی و بیشترین نرخ رشد صادرات نیز در سال ۱۳۹۰ و با نرخ ۲۷.۳۷ درصدی اتفاق افتاده است. در این زمینه، مسلماً یکی از علل اصلی افزایش نوسان در نرخ رشد صادرات، افزایش نوسانات نرخ ارز در دوره دوم بوده است.

## ۲- واردات

روند واردات گمرکی در طول دهه ۱۳۸۰ (صرف نظر از نزول یک دوره ای در سال ۱۳۸۸) همواره صعودی بوده است. طی این دوره واردات کشور به طور متوسط ۴۳.۲۷ میلیارد دلار بوده و سالیانه ۱۵.۵۱ درصد رشد کرده است. افزایش درآمدهای ارزی و اعمال سیاست تثبیت نرخ ارز، در کنار کاهش بسیاری از محدودیت‌های اعمال شده بر واردات و اتخاذ سیاست‌های سهل‌گیرانه تر، رشد چشمگیر واردات طی دهه ۱۳۸۰ را موجب شده است. از آغاز دهه ۱۳۹۰، روند واردات کشور با نوسان همراه بوده است. به طوری که نرخ رشد آن بین ۲۰.۷۳- تا ۴۹.۴۶ درصد متغیر بوده است. متوسط سالیانه واردات طی این بازه زمانی (۱۳۹۹-۱۳۹۰) ۴۷.۷۱ میلیارد دلار و نرخ رشد متوسط آن ۳.۲۵- درصد بوده است که این امر به وضوح کاهش رشد واردات را نسبت به دوره زمانی مشابه قبل نشان می‌دهد.

## ۳- تراز تجاری

مقایسه دو دوره زمانی (۱۳۸۱-۱۳۸۹) و (۱۳۹۰-۱۳۹۹) نشان می‌دهد که در هر دو دوره متوسط واردات سالیانه بیشتر از میزان صادرات بوده است. با این حال میزان کسری تراز تجاری در دوره دوم به نسب کاهش یافته است. در دوره دوم به طور متوسط سالیانه شاهد ۹.۳۹- میلیارد دلار کسری بوده ایم که مقایسه آن با متوسط کسری ۲۹.۶۰- دلاری در دوره اول، نشانگر این است که در دوره دوم تراز تجاری کشور بهبود یافته است. بنابر این، به طور کلی در دوره دوم کسری تراز تجاری به نسبت کاهش یافته و حتی در مقاطعی این حساب مثبت شده است. تراز تجاری در سال‌های ۱۳۹۴، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۷ مثبت بوده است. با این حال مطابق با آنچه پیش‌تر ذکر گردید؛ اگرچه در دوره

دوم و همزمان با عدم ثبات در وضعیت ارزی کشور، ارزش دلاری صادرات و واردات نسبت به دوره اول افزایش یافته؛ اما نرخ رشد هر دوی این متغیرها به طور قابل توجهی کاهش یافته است. براین اساس، هرچند در خلال دو دهه اخیر ارزش کلی صادرات کشور به طور متوسط از ۱۳.۶۶ میلیارد دلار به ۳۸.۳۱ میلیارد دلار افزایش یافته است، اما در همین مدت زمان، رشد صادرات کشور با کاهش قابل توجهی مواجه بوده است و از متوسط رشد ۲۳.۱۸ درصدی در دوره اول به رشد ۳.۷۳ درصدی در بازه زمانی کاهش یافته است. در رابطه با واردات نیز، نرخ رشد از ۱۵.۵۱ درصد در دوره اول به نرخ ۳.۲۵- درصد در دوره دوم کاهش یافته است.

#### ۴- نرخ ارز حقیقی

به طور کلی ادبیات اقتصادی در رابطه با نرخ ارز از رابطه مستقیم این متغیر با تراز تجاری حکایت دارد. براین اساس افزایش نرخ ارز حقیقی از طریق کاهش قیمت کالاهای صادراتی ما برای کشورهای خارجی، رقابت پذیری کالاهای داخلی را افزایش داده و موجب افزایش صادرات می شود. ضمن اینکه افزایش نرخ ارز حقیقی واردات را تضعیف کرده و در نهایت موجب بهبود تراز تجاری خواهد شد. در مقابل، کاهش نرخ حقیقی ارز از طریق کاهش رقابت پذیری کالاهای صادراتی در مقابل رقبای خارجی و همچنین، کاهش قیمت نسبی کالاهای وارداتی در مقابل کالاهای داخلی به تضعیف تراز تجاری منجر خواهد شد. لذا حفظ و یا ارتقای نرخ ارز حقیقی اثر مثبت و کاهش آن اثر منفی بر تراز تجاری کشور خواهد داشت. در دوره اول (۱۳۸۹-۱۳۸۱)، تثبیت نرخ ارز اسمی کاهش مستمر نرخ ارز حقیقی را در پی داشته است. در واقع ثابت نگه داشتن نرخ ارز اسمی بدون توجه به بی انضباطی نقدینگی و افزایش تورم داخلی دلیل اصلی کاهش نرخ ارز حقیقی در دوره اول بوده است. این وضعیت در تقابل با سیاست های ارزی اعلامی در برنامه های توسعه قرار دارد. در برنامه چهارم و پنجم توسعه بر افزایش رقابت پذیری اقتصادی تأکید شده و بهبود وضعیت تراز تجاری مدنظر سیاستگذاران بوده است. بر این اساس نرخ ارز حقیقی متغیری بود که باید جهت هماهنگ سازی سیاست های ارزی برای تحقق هدف بهبود تراز تجاری مبنا قرار می گرفت. بنابراین باید تعدیلات نرخ ارز اسمی بر مبنای تفاوت تورم داخلی و خارجی، اعمال می شد. در واقع، چنانچه سیاستگذار قصد حفظ تراز تجاری را دارد تعدیل نرخ ارز اسمی برابر با تفاوت تورم داخل و خارج سیاست بهینه بوده و چنانچه قصد افزایش تراز تجاری را داشته باشد، باید تعدیلات نرخ ارز اسمی به میزانی بیش از تفاوت تورم داخلی و خارجی اعمال شود، اما در عمل نگرانی از افزایش نرخ ارز اسمی و عبور آن به نرخ تورم داخلی موجب شده است که در تمام سال های دوره اول، تثبیت نرخ ارز اسمی در اولویت قرار گیرد. چنین راهکاری با پابین نگه داشتن غیر واقعی نرخ ارز اسمی به کاهش نرخ ارز حقیقی منجر شده و در نهایت بر خلاف هدف اولیه بهبود تراز تجاری



در برنامه‌های چهارم و پنجم با تضعیف صادرات و ترغیب واردات به تشدید کسری تراز تجاری دامن زده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که هرچند در برنامه‌های توسعه بر بهبود وضعیت تراز تجاری تأکید شده است، اما عملاً این هدف هیچ‌گاه در اولویت نبوده و نگرانی از افزایش تورم موجب شده تا مقامات پولی، علی‌رغم داشتن دغدغه در زمینه گسترش صادرات غیر نفتی همواره تثبیت نرخ ارز اسمی را در دستور کار قرار دهند. اما در دوره دوم ۱۳۹۹-۱۳۹۰ و همزمان با کاهش قدرت مقامات بانک مرکزی برای تثبیت نرخ ارز اسمی، نرخ ارز حقیقی با وجود نوسانات دوره‌ای به طور متوسط افزایش یافته به طوری که نرخ رشد نرخ ارز حقیقی طی بازه زمانی مذکور ۱۸.۷۴ درصد بوده است. این موضوع در کنار محدودیت‌های قانونی واردات و عدم تخصیص ارز بر واردات برخی از کالاها، می‌تواند به‌عنوان یکی از علل کاهش کسری تراز تجاری در دوره دوم مطرح شود. نکته قابل توجه اینکه روند رشد صادرات گمرکی در سال ۱۴۰۰ و همچنین، ۱۴۰۱ نیز ادامه داشته و این امر بهبود وضعیت تراز تجاری را طی سال‌های اخیر در پی داشته است.

## بررسی نقش تحریم‌های اقتصادی در تأثیر پذیری بخش بازرگانی خارجی از سیاست‌های ارزی و بالعکس

در سال‌های اخیر تشدید تحریم‌های بین‌المللی بیش از هر موضوع دیگری عملکرد اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار داده است. در این زمینه علاوه بر تحریم‌های تجاری و محدودیت‌هایی در زمینه صادرات و واردات تحریم‌های مالی نیز با جلوگیری از انجام معاملات مالی و نقل و انتقالات پول و سرمایه‌گذاری بخش تجاری خارجی کشور را متأثر ساخته است. بر این اساس افزایش تحریم‌ها هزینه مبادلات تجاری کشور را افزایش داده است. در عمده سال‌های قبل از تشدید تحریم سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی، سیاست اصلی اتخاذ شده در رابطه با وضعیت بازار ارز کشور بوده است. سیاستی که با توجه به رشد بالای نقدینگی در کشور به کاهش نرخ ارز حقیقی منجر شده است. پس از تشدید تحریم‌ها به تدریج قدرت بانک مرکزی برای کنترل بازار ارز کاهش یافته و بنابر مباحث اشاره شده در بخش ۲ نرخ ارز حقیقی در دوره زمانی پس از تحریم به طور متوسط افزایش یافته است. بر مبنای ادبیات موجود در رابطه با اثرگذاری نرخ ارز حقیقی بر صادرات و واردات کشور، انتظار می‌رود که افزایش نرخ ارز حقیقی افزایش صادرات و کاهش واردات را در پی داشته باشد. افزایش نرخ ارز حقیقی تنها یکی از علل افزایش رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی است و مواردی از قبیل؛ وارداتی بودن برخی از مواد اولیه، مشکلات متعدد ناشی از تحریم‌های خارجی و



مبادلات بانکی، نامساعد بودن محیط کسب و کار، عدم بهره‌مندی بنگاه‌ها از فعالیت‌های تحقیق و توسعه و ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های صادراتی از جمله عواملی هستند که بر رقابت‌پذیری محصولات تجاری کشور به شکل منفی اثرگذار هستند. ضمن اینکه افزایش نرخ ارز حقیقی پس از تحریم با افزایش نوسانات و ناطمینانی همراه بوده است؛ که این موضوع خود به عنوان یک عامل اساسی منفی بخش تجارت خارجی و به ویژه صادرات کشور را متأثر ساخته است. هرچند افزایش نرخ ارز حقیقی به عنوان یک عامل اساسی در تضعیف واردات و تقویت مزیت رقابتی کالاهای داخلی نقش دارد؛ اما ناکارآمدی سیاست‌های تجاری و پایین بودن مزیت نسبی برخی از محصولات داخلی نیز از جمله مواردی هستند که میزان واردات کشور را متأثر ساخته و موجب می‌شوند علی‌رغم افزایش نرخ ارز حقیقی میزان محصولات وارداتی به کشور همچنان بالا باشد.

## نتیجه‌گیری

سیاست‌گذاری در زمینه نرخ ارز عمدتاً تحت تأثیر اهداف کلان اقتصادی کشورها قرار می‌گیرد. کنترل تورم، حفظ رقابت‌پذیری تجاری و حفظ ثبات اقتصادی از مهم‌ترین اهداف کلان اقتصادی اثرگذار بر سیاست‌های ارزی مقامات پولی کشورهاست. در این راستا در کشورهایی که وضعیت تراز تجاری به عنوان دغدغه جدی مطرح است، نرخ ارز حقیقی به عنوان متغیر اصلی مبنای عمل سیاست‌گذاران پولی قرار گرفته و بانک مرکزی با رصد پیوسته آن تلاش می‌کند تا این نرخ را با اهداف در نظر گرفته شده برای تراز تجاری همراستا سازد. به جهت آثار غیرقابل انکار تحریم بر سیاست‌های ارزی و بخش بازرگانی خارجی، نقش تحریم در زمینه اثرگذاری سیاست‌های ارزی بر بخش بازرگانی خارجی مورد بررسی قرار گرفت. علی‌رغم اینکه به طور ویژه از برنامه چهارم توسعه، سیاست‌گذاری ارزی در راستای ارتقای بازرگانی خارجی مدنظر بوده است، اما در مرحله اجرا همواره سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی با هدف کنترل انتظارات تورمی، مبنای عملکرد سیاست‌گذاران در زمینه اتخاذ سیاست‌های ارزی قرار گرفته است. به طور مشخص در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه صریحاً بر نرخ‌گذاری ارز در راستای افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی تأکید شده است و بر این اساس علی‌رغم اینکه باید وضعیت نرخ ارز حقیقی به عنوان شاخص اصلی در زمینه سیاست‌گذاری ارزی مبنای قرار می‌گرفت، اما در عمل با توجه به افزایش درآمدهای ارزی و سطح مطلوب ذخایر خارجی بانک مرکزی، سیاست تثبیت نرخ ارز اسمی دنبال شده است. سیاستی که با توجه به بی‌انضباطی نقدینگی و غیرمتناسب بودن آن با ظرفیت تولید در کشور، کاهش نرخ ارز حقیقی را در پی داشته و موجب شده تا تراز تجاری

کشور کسری مستمر را تجربه کند. در این رابطه، بررسی وضعیت صادرات و واردات کشور نشان داد؛ پس از اتخاذ نظام ارزی شناور مدیریت شده (۱۳۸۱) تا سال ۱۳۸۹ روند نرخ ارز حقیقی کشور همواره نزولی بوده است و این امر زمینه ساز افزایش مستمر کسری تراز تجاری را فراهم آورده است. از سال ۱۳۹۰ علی‌رغم وجود نوسانات، به طور میانگین روند نرخ ارز حقیقی افزایشی بوده و همزمان کسری تراز تجاری کشور به تدریج کاهش یافته است. هرچند تعدیل نرخ ارز اسمی بر مبنای تفاوت تورم داخلی و خارجی به عنوان یک راهکار بهینه برای ارتقای بخش بازرگانی خارجی مطرح می‌شود اما افزایش نرخ ارز حقیقی تنها به عنوان یکی از راهکارهای افزایش رقابت‌پذیری محصولات داخلی است. در صورت نامساعد بودن محیط کسب‌وکار، نااطمینانی در فضای کلان و عدم توجه بنگاه‌ها به بهبود مستمر عملیات خود، افزایش نرخ ارز حقیقی تنها به عنوان یک راهکار مقطعی برای افزایش رقابت‌پذیری تولیدات داخلی خواهد بود و در بلندمدت به منظور افزایش رقابت‌پذیری صادراتی باید در کنار سیاستگذاری صحیح در زمینه نرخ ارز اصلاحات بسیاری در سطح بنگاه و سطح کلان اقتصادی انجام گیرد. در زمینه نقش تحریم ملاحظه شد که در طول دوره تشدید تحریم و همراه با افزایش نوسانات و جهش‌های ارزی، نرخ رشد صادرات و واردات کل کشور کاهش یافته است. به طوری که نرخ رشد واردات از ۱۵.۵۱ درصد به ۳.۲۵ درصد و نرخ رشد صادرات از ۲۳.۱۸ درصد به ۳.۷۳ درصد در دوره دوم رسیده است. بر این اساس، ملاحظه می‌شود که نوسانات در نرخ ارز و به طور کلی نااطمینانی در اقتصاد به ایجاد نوسان در بخش تجارت خارجی کشور منجر شده است و چنانچه جهت کاهش نوسانات نرخ ارز راهکار مناسبی اتخاذ نشود، تجارت خارجی کشور با مشکلات بیشتری مواجه خواهد شد. بر این اساس هرچند سیاستگذاری بهینه برای حفظ یا بهبود تراز تجاری بر تعدیل نرخ ارز اسمی به میزان برابر یا بیش از تفاوت تورم داخلی و خارجی حکایت دارد اما در این میان ثبات نرخ ارز و کاهش نااطمینانی ناشی از آن عاملی است که باید بیش از همه مورد توجه سیاستگذار قرار گیرد. بر این مبنای نیاز است تا ضمن سیاستگذاری ارزی در جهت ثبات روند بلندمدت نرخ ارز حقیقی، نوسانات و شوک‌های نرخ ارز نیز مدیریت شود. با توجه به اثرگذاری شوک‌ها بر مبادلات تجاری کشور و کاهش نرخ رشد صادرات و واردات، تلاش در جهت توسعه بازارهای هدف اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. در این زمینه گسترش روابط اقتصادی و برقراری توافقنامه‌های دوجانبه و چندجانبه گام مؤثری در جهت دسترسی سریع‌تر، بیشتر و بهتر تجار ایرانی به بازارهای جهانی تلقی خواهد شد. به ویژه، در این زمینه برقراری روابط در سطح انعقاد پیمان‌های پولی نظیر سیستم پولی شانگهای می‌تواند تأثیر بسزایی در رفع مشکلات کشور در حوزه بازرگانی و مبادلات ارزی داشته و موجب کمتر شدن آثار منفی تحریم بر اقتصاد کشور شود. به طور کلی بر مبنای مطالب عنوان شده هدف گسترش تنوع کالاهای صادراتی به منظور رهایی از اقتصاد تک



محصولی به عنوان یک ضرورت برای اقتصاد کشور مطرح است و در این میان سیاست‌های ارزی اتخاذ شده توسط مقامات کشور نقش بسیار زیادی جهت تحقق هدف مذکور خواهد داشت. در سطح برنامه ریزی، توسعه بخش غیر نفتی و سیاستگذاری ارزی همراستا با آن همواره مورد توجه بوده است، اما در عمل عموماً سیاست‌های ارزی به نحوی اجرا شده که موجبات تضعیف صادرات غیرنفتی و تقویت واردات را فراهم آورده است. بر این اساس نیاز است تا در تدوین برنامه هفتم توسعه اقتصادی ضمن توجه به هدف متنوع سازی صادرات کشور به عنوان یک ضرورت و سیاستگذاری ارزی صحیح همراستا با آن، ضمانت‌های اجرایی لازم برای تحقق اهداف مذکور پیش بینی شود. مبنا قرار دادن نرخ ارز حقیقی و تلاش برای ایجاد ثبات در روند بلند مدت آن، همراه با اصلاحات در سطح خرد و کلان اقتصاد می‌تواند در بلندمدت تحقق هدف افزایش سهم تولیدات غیرنفتی از صادرات کشور و متنوع سازی محصولات صادراتی را در پی داشته باشد.

#### منابع و مآخذ

- گزارش دفتر مطالعات اقتصادی (گروه بازرگانی) مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.